

کدفایل:قطب علمی معماری اسلامی-معماری اسلامی

انعکاس معانی منبعث از جهان‌بینی اسلامی در طراحی معماری

دکتر محمدرضا بمانیان*[1]، سیده فاطمه عظیمی[2]

[1] استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس
[2] دانشجوی دوره کارشناسی ارشد مهندسی معماری، دانشگاه تربیت مدرس

(تاریخ دریافت: ۸۹/۷/۲۰ تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۰/۲)

چکیده

از منظر جهان‌بینی اسلامی، پدیده‌های عالم دارای دو وجه ظاهری و باطنی، صورت و معنا هستند. در حیطهٔ هنر و معماری، توجه به جنبهٔ باطنی آثار و پدیده‌های هنری، منجر به نگرشی در طراحی معماری می‌گردد که «معناگرایی» نام دارد. رویکرد معناگرا در طراحی معماری، تلاشی برای بیان آگاهانهٔ معانی مستتر در پس کالبد معماری است و تلقی و تعریف معمار معناگرا از مقولهٔ «معنا» نقش مهمی در نگرش معناگرایانه وی دارد. در این مقاله، با توجه به بسترهای فرهنگی و بومی، با بهره گیری از روش تحلیلی- توصیفی، مبانی و اصول تفکر و جهان‌بینی اسلامی، به عنوان منبع استخراج معانی مؤثر در معماری برگزیده شده و مفاهیمی چون توحید، وحدت در عین کثرت و تجلی پروردگار در عالم خلقت تبیین شده‌اند. در ادامه، نمونه‌هایی از ابزارهای معماری که می‌توانند در بیان مفاهیم منبعث از فرهنگ و جهان‌بینی اسلامی مورد توجه معناگرایان قرار گیرند، از جمله هندسه، نور و فضای تهی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

واژگان کلیدی: *معنا، جهان‌بینی اسلامی، طراحی معماری، معناگرایی*

* Bemanian@modares.ac.ir

Archive of SID
www.SID.ir

مقدمه

در تفکـر و جهان‌بینی اسـلامی، توجه به جنبهٔ معنایی و باطنی پدیده‌هـای عالـم حایـز اهمیـت اسـت، چراکه به نظر می‌رسـد جهان‌بینی اسـلامی و نوع نگرش به جهان هستی در سایهٔ فرهنگ اسلامی، در خلق آثار معماری مسلمین نقش بسزایی داشته، معانی منبعث از مبانی جهان‌بینی اسلامی در خلق معماری مؤثر هستند. در این مقاله، سـعی گردیده مفاهیمی از اصول جهان‌بینی اسلامی تبیین گردد که قابلیت تجلی در کالبد و فضای معماری را دارند.

در طراحـی معمـاری، آن جا که توجه معمـاران به وجه باطنی کالبد معماری اسـت، رویکرد «معناگرا» مطرح می‌شود. معناگرایی توجه به معنا و باطن اسـت؛ بیش از آن که توجه به ظاهر و صورت باشد. در این مقاله، پس از ارائهٔ مطالبی پیرامون اهمیت «معنا» در طراحی معمـاری و رابطهٔ صورت و معنا در هنر، به تبیین معماری معناگرا پرداخته خواهد شـد. در ادامه به معانی مستخرج از اصول تفکر و جهان‌بینی اسلامی اشاره گردیده و ابزارهای معماری که در بیان این مفاهیم مؤثر هستند، مورد کنکاش قرار گرفته‌اند. از آن جا که در ایـن مقاله، معانی مورد نظر از مفاهیم منبعث از جهان‌بینی اسلامی اقتباس شده‌اند، لذا در مطالعه آثار معماری، بیشترین توجه به آثار دوران اسلامی معطوف گردیده است.

۱. معنا، حلقهٔ گمشده در طراحی معماری

یکی از مباحث مطرح در هنر و معماری، نقش و اهمیت «صورت» و «معنا» در خلق هنری اسـت. در این زمینه دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شـده اسـت، اما اولیـن گام در درک رابطهٔ صـورت و معنا، فهم معانی لغوی واژه‌هاسـت. در باب معانـی لغوی واژهٔ «معنا» به واژگانی چون مراد، مفهوم کلام و سخن، حقیقت و باطن می‌رسیم (معین، ۱۳۶۲: ۴۲۴۵). در واقع آن چنان که از معانی لغوی «معنا» بـر می‌آید، «معنا»، جنبـهٔ درونی، باطنی و غیرصـوری هر چیز و حامل مقصود اصلی اسـت؛ به عبارت دیگر، «معنا»، اصل و حقیقت اشـیا و پدیده‌ها اسـت. لغت «صورت» نیز به معانی وجه، شـکل، رخسـار و نقش (عمیـد، ۱۳۷۱:۱۳۸۱) و در جـای دیگر مترادف مفاهیمی چون کیفیت، مظهر و جوهری ممتد در جهات سـه‌گانه (معین، ۱۳۸۴: ۹۹۹) آمده اسـت. بنابـر این «صورت» همان وجه ظاهری و بیرونی پدیده‌هاست که با حواس پنجگانه درک می‌شود.

از منظر حکمت اسـلامی، محسوسـات عالم دو وجه دارند؛ یکی عالم صورت، که عبارت اسـت از آن چه می‌بینیم و دیگر عالم معنا و حقیقت، که با چشـم سـر دیده نمی‌شـود. «انکشاف هر معنایی برای انسـان در قالب «صورتی» است که آن معنا از طریق آن خود را بر انسـان عیان می‌کند. بنابر این عالم صورت جز معنا نیسـت و معانی، باطن عالم ظاهراند که آدمی را به حقایق رهنمون می‌کنند» (صـدری, ۱۳۸۷: ۷۰). از آن جا که پدیده‌های عالم دارای دو وجه بیرونی و درونی (صورت و معنا) هسـتند، صورت‌ها هویتی دوگانه دارند. از سویی حجاب چهرهٔ حقیقت و عالم معنی هستند و از دیگر سو، آیت و راهنمایی برای رسیدن به حقیقتی معین. هم می‌توانند راهنما باشـند و هم سد و مانع، بسـتگی به رویکرد بشر نسبت به پدیده‌ها و نحوهٔ اسـتفاده یا سوءاسـتفاده از آنهـا دارد (رحیمیان، ۱۳۸۶: ۷۰). در وادی هنر و معماری نیز، با پدیده‌ها و آثار هنری و معماری مواجهیم که به تبع دیگر پدیده‌های عالم دارای این ویژگی مهم هستند که توجه بدان می‌تواند در مقولهٔ طراحی و خلق هنری مؤثر واقع گردد. بر اسـاس نکات عنوان شـده، دو نگرش نسبت به پدیده‌های عالم وجود دارد (نمودار شماره ۱):

۱. قرب صورت نسـبت به معنی؛ نـگاه دلالت‌نگر یا آیه‌ای به صور: از این منظر، صورت به خودی خود واجد چیزی نیسـت و حکایت از معنـی کرده، توجه را معطوف بـه معنی می‌نماید؛ یعنی صورت، «صـورت مرآتیـه» (صـورت در آینه) اسـت و صفات الهـی را باز می‌تاباند.

۲. بعد صورت نسبت به معنی؛ نگاه ماهیت‌نگر یا استقلالی به صور: صورت‌ها مسـتقل و ماهیت‌ها متعددنـد و توجه معطوف به کثرت است (رحیمیان، ۱۳۸۶: ۷۲).

به نظر می‌رسـد اثر هنـری، می‌تواند محمل بیـان معانی بوده، کالبـد و صورت، نمایانگر باطن و نهاد باشـند، لذا نگرش دلالت‌نگر نسبت به پدیده‌های عالم حایز اهمیت است. مادامی که نگرش ما به پدیده‌های هنری، اسـتقلالی و ماهیت‌نگر باشد و به باطن و مقصود اصلـی صور بی توجه باشـیم، صحبت از انعـکاس معانی در کالبد معماری بیهوده می‌نماید.

انواع دیدگاه‌ها نسبت به پدیده‌ها (اثر هنری و معماری)	
نگاه دلالت‌نگر و آیه‌ای	نگاه ماهیت‌نگر و استقلالی
صورت حکایت از معنی می‌کند	صورت‌ها مستقل و ماهیات متعددند
صورت آینه صفات الهی	توجه به کثرت عالم

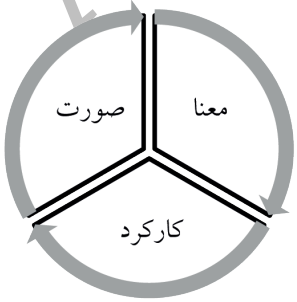
نمودارشماره ۱: انواع نگرش‌ها به پدیده‌های عالم (منبع: نگارندگان)

۲. رویکرد معناگرا

مفهوم «معنا» از دیر باز یکی از مقوله‌های مطرح در مبانی نظری معمـاری بوده اسـت. از دوران ویتروویوس تا پیشـروان وی که به ویتروویان مشـهورند، از افلاطون و ارسطو تا نظریه‌پردازان معاصر، همـواره رکنـی از ارکان طراحـی معماری با تعابیـر مختلف مورد کنکاش قرار گرفته اسـت. نظریه‌های ویتروویان در باب مقوله‌های مؤثر در طراحی معماری را در سه عنوان زیر می‌توان خلاصه نمود:

ـ **فرم یا صورت:** وجود مرئی ساختمان

ـ **کارکرد:** کاری که ساختمان برای ما انجام می‌دهد.



نمودارشماره ۲: جمع‌بندی کاپن از ارکان طراحی معماری بر اساس نظریه‌های ویتروویان

ـ **معنـا:** مقوله‌ای از اندیشـه‌ها که سـاختمان می‌توانـد ارائه کند (نمودار شماره ۲).

Archive of SID
www.SID.ir

مقولهٔ «معنا»، اگرچه با تعابیر متفاوتی مطرح شده است، لیکن از حیث مفهوم و بر اساس تعاریف ارائه شده می‌توان اذعان داشت که آن چه از دیرباز بـه عنوان معمایی در مبانی نظری معماری و هنر مطرح بوده، همانا «معنا» است (کاپن، ۱۳۸۳: ۳۶).

اهمیت نقش معنا در شـکل‌گیری فضا و کالبـد معماری منجر به رویکردی در طراحی معماری می‌شـود که «معناگرایی» نامیده می‌شـود. از منظر معناگرایان، معماری، مانند سـایر هنرها، فنون و تولیدهای بشـر، «علاوه بر کالبد ظاهـری خویش واجد جنبه‌ای اصیل و حقیقی و معنوی نیز هست که در پاسخ به نیازهای معنوی و مـادی (هماهنـگ با جنبه‌هـای روحانی حیـات وی) طراحی و ساخته شـده است. به این ترتیب که بنا واجد کالبدی است و روح آن تجلـی روح فرهنگ و جهان‌بینی جامعه اسـت. کلمه معماری در تفکـر ایرانی ... همواره مبتنی بر ارتباط انسـان و ماوراءالطبیعه بوده اسـت» (نقی زاده، ۱۳۸۱: ۶۴). به بیان دیگر، «یکی از ارکان فراموش شـده در معماری نوگرا، مقوله معنا اسـت که می‌تواند از مجرای ارکان سـه‌گانهٔ کارایی، زیبایی و پایداری [اصول سـه‌گانهٔ سـازنده معماری که ویتروویوس در قرن اول پیش از میلاد مطرح می‌کند] محقق شود.

ویژگی‌های نگرش معناگرا		
توجه به جنبه‌های نمادین فضا و صور معماری برای نیل به معانی	فهم معانی نهفته در پس کالبد	بهره‌گیری از منابع فرهنگ دینی، متون عرفانی، فلسفی

نمودار شماره۳ : ویژگی های نگرش معناگرا در معماری (منبع: نگارندگان)

از این منظر، شـکل، ابزار بسـیار مناسبی اسـت که می‌تواند در نقـش یک نماد، به جلـوه دادن مفاهیم مورد نظـر طراح پرداخته و نمایش‌گـر یک محتوای معنوی شـود» (صفایی پور، ۱۳۸۶: ۲). «معناگرایی»، نگرشـی در طراحی معماری اسـت که پرداختن به دنیای معنی اسـت، بیش از آنکه پرداختن به دنیای فضا، شـکل و تاریخ باشد. معناگرایان «معماری را در کالبد آن نمی‌بینند، بلکه آن را نمودی از معانی پر رمز و راز می‌دانند. در اینجا شی یا اثر هنری، ابزاری است برای رساندن پیام‌های معنوی و معنایی. محققین این حوزه از دنیای فلسـفه و دین‌شناسی و تاریخ هنر بهره می‌گیرند» (معماریـان، ۱۳۸۷: ۴۲۷). ویژگی‌های نگـرش معناگرا در نمودار شماره ۳ آمده است.

معناگرایی به وسـعت حیطه‌های تفکر و فرهنگ بشری گسترده اسـت و محقق معناگرا، می‌تواند از حوزه‌های مختلف معنایی بهره گیرد. لذا اولین گام در بیان معماری معناگرا، تعریف محدودهٔ مبانی فکری و معنایی مورد نظر معمار است.

۳. معانی منبعث از جهان‌بینی اسلامی

اصول اساسـی تفکر و جهان‌بینی اسلامی، می‌توانند در نوع نگاه هنرمند مسلمان به عالم و پدیده‌ها به طور عام و به اثر معماری به طور خاص، مؤثر باشـند. در این بـاره اولین و مهم‌ترین منبعی که در اختیار معمار معناگرا قرار دارد، «قرآن کریم» اسـت. همچنین منابع عرفان و فلسـفه اسـلامی نیز که بر اساس متون قرآنی شکل گرفته‌انـد، می‌توانند مورد اسـتفاده محققان معناگـرا قرار گیرند. مقصود از مفهوم معنـا در این مقاله، مفاهیم منبعث از جهان‌بینی اسلامی اسـت که در طراحی معماری مسلمین مؤثرند. در انتخاب مفاهیم مورد نظر (نمودارشماره ۵)، مواردی برگزیده شده‌اند که به نظر می‌رسد قابلیت تجلی در فضا و کالبد معماری را دارند.

۳-۱. توحید

«والهکـم اله واحـد لا اله الا هو الرحمن الرحیم: و معبود شـما معبـودی یگانه اسـت و جز او معبودی نیسـت که هسـتی بخش مهربان است» (بقره، ۱۶۳).

توحیـد را به معانـی یکتا قـرار دادن، خدا را یگانه دانسـتن و بـه یگانگی خدا ایمـان آوردن به کار برده‌اند. در عرفان اسـلامی، توحیـد را «اسـقاط اضافـات» می‌داننـد و ایـن کـه «دیده جز یـک نبینـد و دل جز یک ندانـد» (سـعیدی، ۱۳۸۳: ۱۷۹). امام جعفـر صادق (ع) درمقـام توحید الهی می‌فرماینـد: «إن المذهب الصحیح فی التوحید ما نزل به القرآن من صفات الله عزوجل، فانفِ عن الله البطلان و التشبیه، هو الله الثابت الموجود...»: «مذهب حق در توحید همان اسـت که در قرآن از صفات خدای عز و جل آمده اسـت. پس تعطیل و تشـبیه را از خدا نفی کن. سپس آن حضرت در مقام توضیح فرمود: خداوند جسـم نیسـت، صورت و محسوس نیسـت، حس نمی‌شود، عقول نمی‌توانند او را ادراک کنند، گذشت روزگاران از او نمی‌کاهـد، زمان او را تغییر نمی‌دهد، او بدون عضو، بصیر و سـمیع است.» همچنین حضرت علی (ع) خدای سبحان را این چنیـن توصیف می‌نمایند: «ما وحّده مـن کیّفه، و لا حقیقته أصاب من مثّله، و لا إیاه عنی من شـبّهه و لا صمده من أشـار إلیه و توهّمه، کلّ معروفٍ بنفسـه مصنوع، و کلّ قائمٍ فی سـواه معلول، فاعـل لا باضطراب آلـهٍ، مقدّر لا بجول فکرهٍ، غنیً لا باسـتفادهٍ، لا تصحبـه الأوقات و لا ترفده الأدوات، سـبق الأوقـات کونُه، و العدمَ وجوده و... ؛ به توحید نرسـیده است کسی که برای او کیفیت قائل شـود- چون تکیّف داشتن مستلزم تثنیه و ثنویت است و با توحید منافات دارد- و کسـی که برای او مثال قرار دهد، به حقیقت او پی نبرده اسـت- چون در قرآن دربارهٔ توحید آمده است: «لیس کمثله شـیء»، پس برای خدا به تمثیل نمودن به خطا رفتن و به غیر او رسـیدن است- و هرکس خداوند را شـبیه چیزی بداند، به مقصد نرسـیده اسـت- اگر به گونه‌ای خدا را وصف کند که تشـبیه لازم آید، مخلوق او را قصد کرده است، نه خود او را؛ چون او شبیه هیچ چیزی نیسـت؛ لذا مبتلای به تشبیه در مسیر معرفت خدا حرکت نکرده و مقصد را گم کرده اسـت- و آن کس که به او اشاره کند یا بخواهد او را در وهم و اندیشـه خود آورد، او را قصد نکرده اسـت» (جوادی آملی, ۱۳۸۵: ۴۴ و ۴۵).

در نمودار شـماره ۴، به معنای وحدانیت در جهان بینی اسلامی اشاره شده است:

Archive of SID
www.SID.ir



نمودارشماره ٤: معنای توحید در جهان‌بینی اسلامی (منبع: نگارندگان)

۳-۲. وحدت وجود

«...فاینمـا تولوا فثم وجه الله: پس به هر سـو رو کنید، همان جا وجه خداست» (بقره، ۱۱۵).

در دین اسـلام، حاکمیت اصل توحید منشأ نظریهٔ مهمی‌گردید کـه از آن بـه عنوان «وحدت وجود» یاد می‌شـود. «وحدت: یعنی یکتایـی و یکتا بـودن و مراد از وجود، حقیقت وجود حق اسـت و وحـدت وجود یعنی آنکه وجود واحد حقیقی اسـت و وجود اشـیا عبارت از تجلی حق به صورت اشـیا اسـت و کثـرات مراتب، امور اعتباری‌انـد و از غایت تجدد فیض رحمانی، تعینات اکوان نموداری دارند» (سعیدی، ۱۳۸۳: ۹۲۷). «در دار هستی تنها یک حقیقت و یک وجود و یک موجود راستین است و او حق است. در نتیجه این ظهور و تجلی و تعیین و تطور، کثرت پیدا می‌شـود و عالم پدیدار می‌گردد. پس ... هم وحدت درسـت است و هم کثرت. ظاهر واحد است و مظاهر کثیر. وحدت در ذات و حقیقت وجود است و کثرت در مجالی و مظاهر آن» (سعیدی، ۱۳۸۳: ۹۳۱).

۳-۳. تجلی

ابن عربی بر اسـاس اندیشـهٔ وحدت وجود معتقد است که عالم مظهر تامّ حق است و خداوند در خلق این جهان خود را ظاهر کرده اسـت. آنگاه که خداوند در ذات، صفـات و افعال خود تجلی نمود، عالـم خلق ایجـاد گردید. «...خدا را دو تجلی اسـت: تجلی غیب و تجلی شهادت. تجلی غیب یا فیض مقدس، هویتی است که خدا به واسطه آن از نفس خویش استحقاق «هو» را می‌یابد. پس هو دائما از آن اوسـت و تجلی شهادت یا فیض مقدس آنجاست که خداوند در عالم شهادت (خلق) تجلی می‌یابد تا شناخته شود: «و هو الذی یتجلی له فیعرفه». محور و مبنای این تجلی در عالم شـهود علاوه بر آیه قرآنی «اعطی کل شـیء خلقه [: آفرینش هر چیزی را به او عطا کرده است (طه، ۵۰)]»، حدیث مشهور «إنی کنت کنزا مخفیا، فاحببت ان اعرف» است» (بلخاری، ۱۳۸۸: ۱۵۴ و ۱۵۵).

۳-٤. تسبیح موجودات

«یسبح لله ما فی السموات و ما فی الارض... : آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است تسبیح خدا می‌گویند...» (جمعه، ۱).

وجود و هسـتی، مراتـب متنوعی دارد و هر موجودی بسـته به مرتبـه‌ای که از وجود و هسـتی دارد، واجد حیات، شـعور، اراده، عشـق، طلب و حرکت متناسـب با آن مرتبهٔ وجودی اسـت. باید دانسـت که حیات نیز مراتبی دارد و همه موجودات از لحاظ مرتبهٔ وجودی یکسـان نیستند. بنابر این در بینش اسـلامی، تمام عالم، حتی آنچه انسـان بدون حیات و شعور تصور می‌کند، واجد حیات بوده و تسـبیح پروردگار را به جای می‌آورد (شجاعی، ۱۳۷۶، ج۱: ۲۰). در توضیح معنای تسـبیح موجودات می‌توان اذعان داشت که «هرموجودی... به وجود بالاتر و در اصل به وجود و هسـتی بی حد و نهایـت عشـق می‌ورزد و از محدودیت وجود و هسـتی خود رنج می‌برد و براسـاس همین عشق و اشتیاق به کمال بالاتر و عشق به کمـال بی نهایت از همان لحظهٔ اول که به وجود می‌آید، حرکت را آغاز می‌کند... و ادامـه می‌دهد... هیچ موجودی در حرکت تکاملی خـود در هیچ حـدی توقف نمی‌کنـد و به هر مرتبـه‌ای از مراتب وجودی نائل آمد باز آرام نیست» (شجاعی، ۱۳۷۶، ج۱: ۳۵). بنابر این در بینش اسـلامی موجودات در حال حرکت و تسـبیح مداوم هستند و آرام نمی‌گیرند، هرچند که با دیده و حواس ظاهری درک نشود.

۳-۵. تفکر در آیات الهی و نظم آفرینش

«إن فی خلق السموات و الارض و اختلاف و اللیل و النهار لایات لاولی الالباب: به راستی در آفرینش آسمان ها و زمین و آمد و شد شب و روز برای خردمندان نشانه‌هایی است» (آل عمران، ۱۹۰).

بسیاری از آیات قرآن کریم، انسان را به تفکر در نظم محیرالعقول جهان و آفرینش آسـمان‌ها، زمین، کوه‌ها، دریاها، حیوانات و... فرا می‌خواند. در بینش اسـلامی پدیده‌های عالم، نشانه‌های پروردگار هسـتند و یکی از راه‌های نیل به توحید و شـناخت پروردگار برای انسـان‌های اهل تفکر، راه آفاقی و سیر عقلایی در آیات الهی است (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۵۰).

۳-٦. حرکت در جهان مادی

«و تری الجبال تحسـبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب: و کوه‌ها را می‌بینـی و آنها را سـاکن می‌انگاری در حالی کـه مانند ابر در حرکتند» (نمل، ۸۸).

Archive of SID
www.SID.ir

یکی از مباحثی که فلاسـفهٔ مسـلمان به آن پرداخته‌اند، مسأله «زمان» و «حرکت» اسـت. «آنچه از تحقیقات فلاسفه و مخصوصاً از تحقیقات صدرالمتألهین بر می‌آید، این اسـت که «زمان» مقدار حرکت بوده و جایی که حرکت هسـت «زمان» هم هست و از آنجا کـه حقایق مادّی به مقتضای حرکت جوهری همیشـه در حرکت و تجدّد بوده و وجودات سـیّال هسـتند و جوهر حقیقت مادی در حال تجدّد و حرکت است، طبعاً در همهٔ حقایق مادی «زمان» هم وجود دارد و در متن ذات این حقایق «زمان» نیز هست» (شجاعی، ۱۳۷۶، ج۲: ۹۲).

۳-۷. وجوه سلوک انسان عارف

در عرفان اسلامی، چهار وجه ارتباطی برای انسان عارف و سالک مطرح است:

۱. رابطهٔ انسـان عارف با خویشتن: انسـان، موجودی ابدی است و خودسازی و تهذیب نفس حایز اهمیت است.

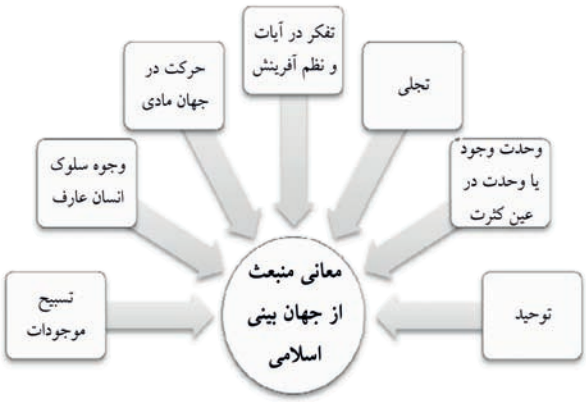
۲. رابطهٔ انسـان عارف و پروردگار: زیبایی‌های معقول و محسـوس و به طور کلی هیچ چیز نباید حجاب میان سـالک و خداوند باشـد (جعفری، ۱۳۷۸: ۳۲- ۳۵).

۳. رابطهٔ انسـان عارف با جهان هسـتی: جهان هستی از سه طریق انسـان عارف را به ملکوت خود راهنمایـی می‌کند و او را به بارگاه ربوبی رهسپار می‌نماید. این سه طریق عبارتند از:

- شکوه جمال هستی،
- جلال قانونمندی هستی،
- احساس حیات در عالم طبیعت.

یکی از شـرایط اساسـی ورود به عرفان اسلامی، تغییر نگرش به عالم پیرامون و تلقی جهان هستی به عنوان معبد بزرگ برای نظاره پیشگاه ربوبی و کشش به فروغ بی نهایت است.

رابطهٔ انسـان عـارف با همنوع خـود: برقراری ارتبـاط مثبت با همنوعان و عدم انزوا از اجتماع از وجوه مهم سلوک از منظر عرفان اسلامی است (جعفری، ۱۳۷۸: ۶۵- ۷۱).



نمودارشماره ۵: معانی منبعث از جهان‌بینی اسلامی (منبع: نگارندگان)

٤. انعکاس معنا در طراحی معماری

پـس از بیان معانـی منبعث از جهان‌بینی اسـلامی، به کنکاش در حیطهٔ معماری پرداخته می‌شـود. روش برگزیده شده در تبیین انعکاس معانی در معماری، بهره‌گیری از قابلیت‌های معنایی عناصر سازندهٔ معماری است. مهم‌ترین عناصر معماری که به نظر می‌رسد در بیان مفاهیم مورد نظر به کار می‌آیند (نمودارشماره ۶) عبارتند از:

٤-۱. ارزش‌های هندسی

«قـد جعل الله لکل شـیء قدرا: بی‌تردید خدا بـرای هر چیزی اندازه‌ای نهاده است» (طلاق، ۳).

«هندسه در علوم اسـلامی، پیوند تنگاتنگی با مفهوم «قدر» در قرآن دارد. ««مهندس» در سـاحت هنر اسلامی، باز آفریننده صور عالم مثال در دو بعد تجریدی و مادی اسـت. بعد تجریدی در صور انتزاعی، خود را نشان می‌دهد و بعد مادی در قالب معماری... که... خـود نوعی تأویل و نمادی از معناسـت» (بلخاری، ۱۳۸۸: ۳۹۳). ارزش‌هـای هندسـی، طیف گسـترده‌ای را در بـر می‌گیرند، لکن مواردی که به نظر می‌رسـد، در بیـان معانی منبعث از جهان‌بینی اسلامی، معمار معناگرا را یاری دهند، عبارتند از:

هندسه و تناسب: عالم، تجلی صفات خداوندی است که از صفات جمالی او، نور اسـت و «بنا به اصل تبعیت مجلا از متجلی، جهان، عالمی سراسـر نور، زیبایی و تناسـب است.» کشف این تناسب، به منزلهٔ رمزگشایی و کشف قدر و ورود به بوستان معرفت الله و ادراک صفات الهی است (بلخاری، ۱۳۸۸: ۳۹۵).

هندسـه و نظم: «تجلی لایتناهی وحدت (دقیقا به این دلیل که نظم خود وحدت آفرین و وحدت نما اسـت)، در نظم هندسی خود را نمودار می‌سازد.» آنچه کثرت را به وحدت مبدل می‌سازد، وجود قدر و توازن (تقارن و تناسب) است. ماهیت معنوی عالم، در قالبی که سراسـر نظم و زیبایی اسـت، می‌تواند تمثل یابد. بنابر این نظم هندسـی می‌تواند به عنوان عاملی وحدت بخش، وحدت را در عین کثرت نمودار کند (بلخاری، ۱۳۸۸: ۳۹۷ و ۳۹۸).

الگـوی هندسـی مرکزگـرا: اسـتفاده از الگـوی هندسـی هماهنـگ در اجـزا و کلیت بنـا و فضاهای داخلـی و خارجی، در نمـود بصـری وحـدت و حضـور خداونـد، حضوری کـه در همه جا محسـوس اسـت، مؤثر اسـت. همچنین اسـتفاده از هندسـهٔ مرکزگـرا (برای مثال هندسـه متمرکز در دایـره)، در بیان بصری معنـای وحـدت در کثـرت و کثـرت در وحدت مناسـب اسـت (Jones, 1996: 169). دایره، مولد و منبع طرح‌های هندسهٔ اسلامی است، مرکز پنهانی دارد و بر اساس تقسیمات محیطی آن، به کمک شعاع‌ها به عنوان خطوط پایه، می‌توان به تنوع بی پایانی از اشکال هندسـی دسـت یافت. همچنین تمام اشـکال منتظم هندسی را می‌توان به صورت محاط در دایره ترسیم نمود. بهره‌گیری از هندسه مبتنی بر دایره، ویژگی گسترش‌پذیری و مرکزگرایی را القا می‌کند (Jones, 1996: 170). پـس از دایره، کـره اهمیت ویژه‌ای به دلیل در برگرفتن چند وجهی‌های منتظم و نیمه منتظم دارد. «تقسـیم کره به پاره‌های مسـاوی که منجر به ایجاد چندوجهی‌های منتظم می‌شـود، عالی‌ترین بیان مفهوم نظم و وحدت اسـت» (توسـلی،

Archive of SID
www.SID.ir

۱۳۸۳: ۹۴). تصویرشماره ۱ و تصاویر شماره ۳ و ۴، نمونه‌هایی از توجه به اندیشه‌های وحدانی در طراحی معماری و نقش هندسه در بیان آن هستند.



تصویرشماره ۱: تزیینات زیر گنبد مسجد شیخ لطف الله: الگوی هندسی مرکزگرا، نمود اندیشه وحدانی در معماری معناگرا (منبع: (payamavad.com, 2010))

٤-٢. نور

«الله نورالسموات و الارض: خدا نور آسمان‌ها و زمین است» (نور، ۳۵).

«این پرتو الوهیت است که اشیا را از تاریکی لاوجود بیرون می‌آورد. قابل دیده شدن کنایه است از به هستی درآمدن و همان‌گونه که سایه چیزی بر روشنایی نمی‌افزاید، اشیا به بهره‌ای که از پرتو هستی دارند، از میزان واقعیت برخوردارند» (بورکهارت، ۱۳۶۵: ۸۷ و ۸۸). نکته دیگری که در ارتباط با نقش مفهومی نور می‌توان بیان داشت، آن است که «اتفاق حکمای اسلامی بر این معناست که صور عالم مثال همه از جنس نورند و به یک عبارت حکیم و عارف و هنرمند در سیر صعودی و عروج عرفانی خویش، با پیراسته شدن از ماده و بعد، ورود به قلمروی «نوری» را تجربه می‌کند» (بلخاری، ۱۳۸۸: ۳۳۹). نور در معماری معناگرا می‌تواند نمایانگر حضور الهی باشد. تصویر شماره ۲، نمونه‌ای از نقش نور در تعریف فضای معماری است. از نور در بیان معانی فوق‌الذکر در معماری به صورت‌های زیر می‌توان بهره گرفت:

انعکاس نور: استفاده از سطوحی که نور را منعکس کرده و به دیگر سطوح می‌تاباند و به این وسیله نور در فضا امتداد می‌یابد.

شکست نور: به کارگیری تمهیداتی برای شکستن نور در سطوح متنوع نمونهٔ دیگری از کاربرد نور است. یکی از عمده‌ترین نقش‌های مقرنس در معماری مسلمانان، خاصیت شکست نور است. همچنین تغییر ملموس در سطوح، بنا را به مظهری از مراتب عالم تبدیل می‌کند (بلخاری قهی، ۱۳۸۸: ۳۸۳).

تضاد نور و سایه: تضاد شدید در سطوح و فضاهای تاریک و روشن می‌تواند در بهره گرفتن از نور در معماری معناگرا مؤثر باشد. در تاریخ معماری مسلمانان، با مجوف ساختن سطوح تزیینی و بهره‌گیری از فضاهای مثبت و منفی در این برای تلاش می‌نمودند. همچنین تابش نور به طرح‌های برجستهٔ سطوح، نوعی تحرک و پویایی را به سطح محدود به دو بعد بخشیده و به آن بعدی دیگر می‌افزاید (Jones, 1996: 173).

فیلتر کردن نور، نور و رنگ: «در عرفان اسلامی و به ویژه ابن عربی، حق به نوری بی رنگ تشبیه می‌شود و خلق به آبگینه‌ای رنگین» (بلخاری، ۱۳۸۸: ۳۸۴). «رنگ در جهان محسوس، همنشین بی بدیل نور است و بلکه صورت متکثر نور واحد... رنگ با تجزیه نور شکل گرفته و نمادین‌ترین تمثیل تجلی کثرت در وحدت را نمودار می‌سازد، زیرا از یک سو رنگ همان نور است (وحدت) و از دیگر سو نور - بنا به تجزیه- تجلیات مختلف و متلونی می‌یابد (کثرت)... نور که خود نماد کامل وحدت است با رنگ تجسم یافته و تجلی و تجسم رنگارنگ بی‌رنگی می‌شود» (بلخاری، ۱۳۸۸: ۳۸۴). در تاریخ معماری مسلمین، از عبور و فیلتر شدن نور از ارسی‌های چوبی و شیشه‌های رنگی طرح دار بدین منظور استفاده می‌شد (Jones, 1996: 173).

٤-٣. نماد و رمز

«ما در روابط و مناسبات خود در مخاطبات انسانی و برخورد با اطراف خود با سه مقوله مواجهیم: «نمود»، «نماد» و «نهاد». آنچه به آن معرفت پیدا می‌کنیم، نماد و مظهر یا نمود و ظاهر و یا نهاد و واقع است.» (رشاد، ۱۳۷۵: ۲۵) «نماد» در لغت به معنای «نمود و نماینده» آمده است (عمید، ۱۳۸۱: ۱۹۱۹). همچنین لغت «نماینده» در معنی «نمایش دهنده» (عمید، ۱۳۸۱: ۱۹۲۰) و لغت «نمود» در معنای «نشان و نما» آمده است (عمید، ۱۳۸۱: ۱۹۲۱). در معنای «رمز» نیز می‌خوانیم: «ایماء، اشاره به چیزی. راز نهفته. علامت مخصوص که از آن چیزی یا مطلبی درک شود» (عمید، ۱۳۸۱: ۱۰۵۶). توجه به جنبهٔ نمادین معماری می‌تواند در طراحی معناگرا مورد توجه قرار گیرد. در واقع از منظر معناگرایی، عالم سرتاسر رمز است و نماد. «موجودیت نمادها از این تمایل معکوس تبعیت می‌کند که «ادنی» جلوه‌گاه «اعلی» است... رابطه نماد با مبدأ به همان نزدیکی رابطهٔ برگ درخت با بیخ و بن آن درخت است» (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰: ۵). نمادها را می‌توان در دسته‌بندی زیر به کار برد:



تصویرشماره ۲: فضای داخلی مسجد شیخ لطف الله، نقش نور در تعریف فضای معماری (منبع: (Shafii Motahar, 2010))

Archive of SID
www.SID.ir



تصاویرشماره ۳ و ٤: موزهٔ هنر اسلامی قطر، نمای داخلی از گنبد و نورگیر مرکزی:
بهره‌گیری از هندسه مرکزگرا و نقش نور در معماری معناگرا (منبع: (arcspace.com, 2010))

۱. اعداد: «علم عدد بر طبیعت حکمفرماست.» درتفکر اسلامی «هر عدد باطن یا ذاتی دارد که از دیگری متمایزش می‌کند. این باطن تجسمی از وحدت است که عدد را مداوما به سرچشمهٔ آن پیوند می‌دهد» (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰: ۲۵).

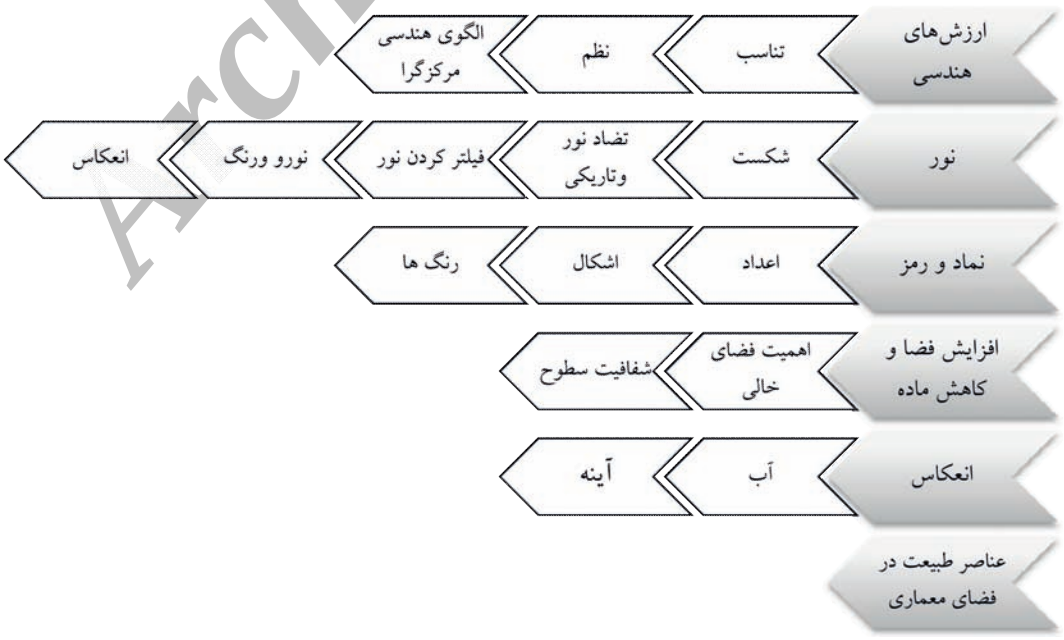
۲. اشکال،

۳. رنگ‌ها.

تصویرشماره ۵، اشاره به کاربرد نمادین رنگ‌ها در معماری دارد.



تصویرشماره ۵: نمای مسجد شیخ لطف الله از میدان نقش جهان
استفادهٔ نمادین از رنگ‌ها و تضاد رنگی میان بدنه شهری و ورودی مسجد (منبع: (Shafii Motahar, 2010))



نمودار شماره ٦: ابزارهای بیان معانی منبعث از جهان‌بینی اسلامی در معماری (منبع: نگارندگان)

Archive of SID
www.SID.ir

٤-٤. افزایش فضا و کاهش ماده، سبکی و شفافیت

«یکی از نتایج اصل متافیزیکی «توحید»، اهمیت معنوی فضای خالی است» (نصر, ۱۳۷۵: ۱۷۹). کلمهٔ شهادت یعنی «لا اله الا الله» از دو برای اشاره به اصل توحید دارد. اول اینکه هر آنچه ماسوی الله است، گذرا بوده و سرشتی غیراصیل دارد و عالم ماده ناپایدار است. دومین مسئله این است که خداوند ورای محسوسات ذهنی و عینی است (نصر، ۱۳۷۵: ۱۸۰). طبق تعبیر اول، از آنجا که خداوند، «وجود ناب» است، اگر وجود را «شیء» بنامیم، «لاجرم جنبه‌ای از نیستی یا خلأ وجود دارد که در طبیعت کل نظام خلقت نهفته است و پیامد مستقیم این حقیقت آن است که، علی الاطلاق، فقط خداوند واقعی است». همچنین براساس تعبیر دوم، «اگر اشیا را به مفهوم متداول تلقی کنیم، آنگاه خلأ، یعنی آنچه از اشیا تهی است، به صورت اثر و پژواک حضور خداوند در نظام هستی جلوه می‌کند، زیرا از طریق نفی «اشیا» در واقع به آنچه ورای همه چیزهاست اشاره دارد. بنابر این فضای خالی مظهر تنزّه و تعالی پروردگار و حضور او در تمام اشیا است» (نصر، ۱۳۷۵: ۱۷۹ و ۱۸۰). از آن جا که حضور الهی نمی‌تواند تجسم مادی داشته باشد، فضای خالی، اهمیت معنوی بیشتری می‌یابد و تهی بودن مترادف امر قدسی تلقی می‌گردد (نصر، ۱۳۷۵: ۱۸۱).

فضای خالی، یکی از ابزارهای مهم ایجاد شفافیت در فضا است، بدین وسیله انسان بدون واسطه با فضا روبرو می‌شود و خود را مشاهده می‌کند (مفید، ۱۳۷۸: ۳). به طورکلی، برای حرکت از کیفیات مادی به کیفیات روحی در معماری، باید از ماده کم کرده و به فضا بیافزاییم (معماریان، ۱۳۸۷: ۳۵۲). در تاریخ معماری اسلامی نیز، با بهره‌گیری از تزیین‌ها و نور به گونه‌ای که سطوح را مشبک نمایش داده و از بار مادی آن‌ها کاسته شود، سعی در سبک‌سازی و شفاف کردن بنا نموده‌اند (بورکهارت، ۱۳۶۹: ۱۳۳).

٤-٥. انعکاس

استفاده از خاصیت انعکاس عناصری چون آب و آینه، می‌تواند در معماری معناگرا مورد توجه قرار گیرد. آب و در سطحی نازل‌تر آینه، هرچند که ممکن است با سکون خود نوعی سکینه و آرامش به فضا بخشد، اما به دلیل ایجاد تصویر مضاعف از فضای پیرامون، حسی از پویایی، سیالیت، گستردگی و تغییر را القا می‌کند (Jones, 1996: 174). در اندیشه فلسفی اسلام، عالم مثال یا عالم خیال، واسطهٔ میان دو ساحت هستی، عالم معقول و محسوس است. تمام صورت‌های ازلی در این عالم جای می‌گیرند. با توجه به مفهوم مُثُل و عالم مثال می‌توان پلی از اندیشه به کالبد زد و صفات آسمانی را صوری مادی بخشید (پورمند، ۱۳۸۶: ۲۸۰). به مدد خاصیت انعکاس در فضای معماری، می‌توان بر مفهوم امتداد و عالم مثال تأکید نمود.

٤-٦. عناصر طبیعت در فضای معماری

در منظر فرهنگ اسلامی، عناصر عالم خلقت، آیات و نشانه‌های پروردگار هستند. نگاه آیه‌ای به طبیعت و عناصر آن از جمله گیاهان، آب و... منجر به نقش مهم این عناصر در معماری معناگرا می‌شود. از این رو است که معماران مسلمان همواره از عناصر طبیعی به طور مستقیم در فضاسازی بنا و از موتیف‌هایی با مضمون طبیعت به طور غیر مستقیم در تزیینات و جزییات بنا استفاده کرده‌اند. بر اساس مطالب عنوان شده، انعکاس معانی بیان شده در معماری معناگرا به مدد بهره‌گیری از توانمندی معنایی عناصر معماری میسر می‌شود. جمع بندی مطالب عنوان شده را در نمودار شماره۷، مشاهده می‌نمایید:



نمودارشماره ۷ : رابطهٔ معانی منبعث از جهان‌بینی اسلامی و عناصر معماری (منبع: نگارندگان)

Archive of SID
www.SID.ir

نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر، انعکاس معانی در طراحی معماری مورد بررسی قرارگرفته است. معانی مورد نظر با توجه به بستر بومی و فرهنگی از اصول جهان‌بینی اسلامی اقتباس شده‌اند. در بینش اسلامی، توجه به جنبهٔ باطنی پدیده‌های عالم اهمیت بسیار دارد. وجه درونی اشیا و پدیده‌ها، همان معنای مستتر در پس کالبد و مقصود اصلی است. در وادی هنر و معماری مسلمانان، مبانی تفکر و جهان‌بینی اسلامی می‌توان در خلق هنری نقش مؤثری ایفا نماید، لذا آثار هنری واجد دو جنبهٔ صوری و معنایی انگاشته می‌شوند. از منظر جهان‌بینی اسلامی، صورت‌ها، حکایت از معانی داشته و توجه به بعد درونی آن‌ها اهمیت دارد. بر این اساس، رویکردی در طراحی معماری قابل تعریف و بازشناخت است که اهتمام به بیان معانی و مفاهیم از طریق کالبد و فضای معماری دارد. در این نگرش، معمار بر آن است تا آگاهانه از جنبهٔ معنایی عناصر سازندهٔ معماری در جهت بیان معانی مورد نظر خود بهره گیرد. این رویکرد در طراحی معماری، «معناگرایی» نامیده می‌شود. با رویکرد معناگرا به هنر و معماری، نه تنها از اهمیت صور کاسته نمی‌شود، بلکه صورت‌های هنری واجد رسالت مهمی گردیده و محمل بیان معانی تلقی می‌شوند.

اصول جهان‌بینی اسلامی، منبع مهمی برای معماران معناگرای مسلمان برای اقتباس معانی و مفاهیم متجلی در کالبد معماری است. مفاهیمی چون توحید، وحدت در عین کثرت، تجلی پروردگار در عالم خلقت و حرکت دایم در جهان مادی نمونه‌ای از مواردی هستند که در خلق معماری مؤثر هستند. روشی که در این مقاله برای بررسی انعکاس معانی در معماری در پیش گرفته شده، بهره‌گرفتن از عناصر سازندهٔ معماری و توجه به جنبهٔ معنایی آن‌هاست. هندسه، نور و فضای تهی نمونه‌هایی از عناصر مؤثر در تعریف فضای معماری هستند که می‌توانند در تجلی یافتن معانی فوق‌الذکر معناگرایان را یاری رسانند. بدین ترتیب برقراری ارتباط میان عالم معانی و فضای معماری مورد اهتمام قرار گرفته و به نظر می‌رسد راهکارهایی برای تجلی معنا در معماری ارائه شده است. لازم به ذکر است که در مطالعه انعکاس معانی منبعث از جهان‌بینی اسلامی، به دلیل مناسبت معانی مورد نظر با اندیشه‌های دوران اسلامی، آثار معماری دوران اسلامی، بیشتر مورد توجه و مطالعه قرارگرفته‌اند.

فهرست منابع و مراجع

۱. ***قرآن کریم*** (۱۳۸۵)، ترجمه: بهرام پور، ابوالفضل. چاپ ششم، آوای قرآن، تهران.

۲. اردلان، نادر و بختیار، لاله (۱۳۸۰)، ***حس وحدت***، خاک، اصفهان.

۳. بلخاری قهی، حسن (۱۳۸۸)، ***مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی***، دفتر اول و دوم: وحدت وجود و وحدت شهود، کیمیای خیال، سوره مهر، تهران.

۴. بورکهارت، تیتوس (۱۳۶۵)، ***هنر اسلامی، زبان و بیان***، ترجمه: رجب‌نیا، مسعود، سروش، تهران.

۵. بورکهارت، تیتوس (۱۳۶۹)، ***هنر مقدس***، اصول و روش‌ها، ترجمه: ستاری، جلال، سروش، تهران.

۶. پورمند، حسن علی (۱۳۸۶)، ***تأثیر اندیشه فلسفی در طراحی معماری معاصر***، پایان نامه دکترای پژوهش هنر، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر، تهران.

۷. توسلی، محمود (۱۳۸۳)، ***هنر هندسه: پویای اشکال، احجام کروی ابوالوفای بوزجانی***. پیام، تهران.

۸. جعفری، محمد تقی (۱۳۷۸)، ***عرفان اسلامی***. چاپ سوم، کرامت، تهران.

۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵)، ***تفسیر موضوعی قرآن کریم، توحید در قرآن***. چاپ دوم. مرکز نشر اسراء، قم.

۱۰. رحیمیان، سعید (۱۳۸۶)، ***«صورت: ره زن یا ره نما»؟*** بحثی در اصالت معنا و هویت دوگانه صورت در اندیشه مولانا. مطالعات عرفانی (ش ۵).

۱۱. رشاد، علی اکبر (۱۳۷۵)، ***شهود و شیدایی***، مباحثی در باب فلسفه هنر و نسبت دین، عرفان، اخلاق و هنر. اطلاعات، تهران.

۱۲. سعیدی، گل بابا (۱۳۸۳)، ***فرهنگ اصطلاحات عرفانی ابن عربی***. سمیعی، تهران.

۱۳. صدری، مریم (۱۳۸۷)، ***«صورت و معنا در هنر دینی»***، کتاب ماه هنر.

۱۴. صفایی پور، هادی (۱۳۸۶)، ***بررسی کیفیت رابطه شکل***، سازه و معنا در معماری مساجد عصر صفوی. اولین کنفرانس سازه و معماری، دانشگاه تهران, پردیس هنرهای زیبا، تهران.

۱۵. عمید، حسن (۱۳۸۱)، ***فرهنگ عمید***. (چاپ بیست و پنجم، جلد ۲). امیرکبیر، تهران.

۱۶. کاپن، دیوید اسمیت (۱۳۸۳)، ***مبانی نظری معماری*** (ج ۲). ترجمه: یاران، علی. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران.

۱۷. معماریان، غلامحسین (۱۳۸۷)، ***سیری در مبانی نظری معماری***. چاپ سوم. سروش دانش، تهران.

۱۸. معین، محمد (۱۳۶۲)، ***فرهنگ فارسی*** (چاپ ۵، ج ۴)، سپهر، تهران.

Archive of SID
www.SID.ir

۱۹. معین، محمد (۱۳۸۴)، ***فرهنگ فارسی*** دوجلدی (ج ۱)، ادنا، کتاب راه نو، تهران.
۲۰. مفید، حسین (۱۳۷۸)، ***به دنبال وجود ادراکی در فضاهای معماری:*** مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ج ۱، سازمان میراث فرهنگی، تهران.
۲۱. نصر، سید حسین (۱۳۷۵)، ***هنر و معنویت اسلامی***. ترجمه: قاسمیان، رحیم. دفتر مطالعات دینی هنر، تهران.
۲۲. نقی زاده، محمد (۱۳۸۱)، ***«تأثیر معماری و شهر بر ارزش‌های فرهنگی»***. هنرهای زیبا (ش ۱۱).
23. Arcspace.com (2010), ***Retrieved August 25, 2010***, from: http://www.arcspace.com/architects/freed/mia/mia.html.
24. Jones, Dalu (1996). ***The Elements of Decoration: Surface, Pattern and Light. In G. Michell, Architecture of The Islamic World*** (2nd ed., pp. 144-175), Thames And Hudson, London.
25. Payamavad.com (2010), ***Retrieved November 18, 2010***, from: http://payamavad.com/default.aspx?pid=3&la=fa.
26. Shafii Motahar, Alireza (2010), ***Retrieved November 18, 2010,*** frozm http://motahar12.blogfa.com/post-1066.aspx.

Archive of SID
www.SID.ir

Journal of Studies On Iranian-Islamic City
Vol. 1, No. 2: Winter 2011

Reflection of Meanings Originated from Islamic Ideology in Architectural Design

Mohammad Reza Bemanian, Ph. D.
(Assistant Prof., Faculty of Arts and Architecture, Tarbiat Modares University)
S. Fatemeh Azimi
(M.Sc. Student of Architectural Engineering, Tarbiat Moddares University)

From the perspective of Islamic ideology, the universe phenomena have two aspects which are called Appearance and Meaning. In the area of Art and Architecture, paying attention to the inner aspects of art phenomena leads to an attitude in architectural design which is called "Semanticism". Meaning-based approach in Architectural Design is an attempt to express conscious description of hidden meanings beyond the anatomy of architectural body and the definition of meaning by a semantic architect plays an important role in its semantic attitude. In this article, regarding the cultural and native backgrounds and by using analytical and descriptive method, principles of Islamic ideology are selected as extraction source for influential meanings in architecture and concepts like Monotheism, Unity in the presence of Multiplicity and Emanation of God, are defined in the world of creation. In addition, some samples of architectural tools such as geometry, light and empty spaces (void) which attract Semanticists to express the meanings originated from Islamic culture and Ideology will be reviewed.

Keywords: Meaning, Islamic Ideology, Architectural Design, Semanticism.

Archive of SID

www.SID.ir



کدفایل:قطب علمی معماری اسلامی-معماری اسلامی